

المقصد الثاني: في ما يزول به تحريم الثلاث

مبحث دوم: از بین برنده حرمت سه طلاقه (محلل)

إذا وقعت الثلاث على الوجه المشترط حرمت المطلقة حتى تنكح زوجاً غير المطلق. ويعتبر في زوال التحريم شروط أربعة: أن يكون الزوج بالغاً، والمراهق لا يحل، وأن يطأها في القبل وطناً موجباً للغسل، وأن يكون ذلك بالعقد لا بالملك ولا بالإباحة، وأن يكون العقد دائماً لا مؤقت.

اگر با وجود شرایط لازم زن را سه بار طلاق دهد آن زن بر او حرام می‌شود تا اینکه با مرد دیگری ازدواج کند و طلاق بگیرد و برای از بین رفتن این حرمت چهار شرط لازم است:

۱- مرد بالغ باشد، و نوجوان نابالغ نمی‌تواند محلل^(۱) باشد. ۲- با او از جلو نزدیکی کند به گونه‌ای که غسل واجب شود، ۳- این نزدیکی با ازدواج باشد نه با خریدن یا در اختیار قرار دادن کنیز، ۴- ازدواج دائم باشد نه موقت.

ومع استكمال الشرائط يزول تحريم الثلاث ويهدم ما دون الثلاث فلو طلق مرة، وتزوجت المطلقة، ثم تزوج بها الأول بقيت معه على ثلاث مستأنفات، وبطل حكم السابقة.

با برآورده شدن این شرایط، حرمتی که با سه طلاق به وجود آمده بود از بین می‌رود و باعث می‌شود تعداد طلاق‌های کمتر از سه بار نیز از شمارش خارج شود؛ پس اگر زن را یک بار طلاق بدهد و او با مرد دیگری ازدواج کند و طلاق بگیرد، سپس دوباره با شوهر اول ازدواج کند می‌تواند سه بار دیگر او را طلاق دهد و حکم تعداد دفعات قبل از بین می‌رود.

ولو طلق الكتابية ثلاثاً، فتزوجت بعد العدة كتابياً، ثم بانته منه، حل للأول نكاحها عقد مستأنف. والأمة إذا طلقت مرتين حرمت حتى تنكح زوجاً غيره، سواء كانت تحت حر أو عبد، ولا تحل للأول بوطء المولى. وكذا لا تحل لو ملكها المطلق؛ لسبق التحريم على الملك.

اگر زن اهل کتاب را سه بار طلاق دهد و بعد از پایان عده با مرد نامسلمان ازدواج کند سپس از او جدا شود بر شوهر اولی حلال می‌شود، و کنیز اگر دو بار طلاق داده شود بر شوهرش حرام می‌شود، مگر بعد از آنکه با مرد دیگری ازدواج کند، و فرقی نمی‌کند که تحت فرمان بنده باشد یا آزاد، و به وسیله نزدیکی اربابش با او بر شوهر اول حلال نمی‌شود، و همچنین اگر شوهر اولی که او را دو بار طلاق داده است (و آن زن بر او حرام است) مالک او شود، نزدیکی کردن بر او حرام است، چون حرام بودن زن بر مرد پیش از مالک شدن او وجود داشته است.

ولو طلقها مرة، ثم أعتقت، ثم تزوجها أو راجعها، بقيت معه على اثنتين. فلو طلقها اثنتين غير الأولى حرمت عليه حتى يحلها زوج.

1- محلل: حلال کننده ازدواج زن با مردی که سه بار او را طلاق داده است. (مترجم)

اگر کنیز را طلاق دهد سپس آن کنیز آزاد شود و با او ازدواج یا به او رجوع کند، با آن طلاق دو بار دیگر می‌تواند او را طلاق دهد؛ پس اگر او را غیر از بار اول دو بار دیگر طلاق دهد تا وقتی که با مرد دیگری ازدواج کند بر او حرام می‌شود.

والخصي: يحلل المطلقة ثلاثاً إذا وطأ، وحصلت فيه الشرائط. ولو تزوجها المحلل فارتد، فوطأها في الردة لم يحل؛ لانفساخ عقده بالردة.

مردی که اخته است اگر نزدیکی کند و دارای سایر را شرایط باشد، می‌تواند حلال کننده سه طلاقه باشد. اگر مرد بعد از ازدواج با زنی که سه بار طلاق داده شده، پیش از نزدیکی مرتد شود و در حالی که مرتد است با او نزدیکی کند، باعث حلال شدن او بر شوهر اولش نمی‌شود؛ زیرا با ارتداد او عقد باطل می‌گردد.

فروع:

چند نکته:

الأول: لو انقضت مدة فادعت أنها تزوجت، وفارقها وقضت العدة، وكان ذلك ممكناً في تلك المدة يقبل منها إذا كانت ثقة.

اول: اگر مدتی بگذرد و زن ادعا کند که ازدواج کرده و جدا شده و عده‌اش به پایان رسیده است و چنین چیزی در آن مدت امکان‌پذیر باشد و آن زن شخص مورد اطمینانی باشد، از او پذیرفته می‌شود.

الثاني: إذا دخل المحلل فادعت الإصابة، فإن صدقها حلت للأول، وإن كذبها يعمل الأول بما يغلب على ظنه من صدقها، أو صدق المحلل. فإن لم يغلب على ظنه صدق أحدهما يعمل بقولها.

دوم: اگر مرد (محلل) با زن نزدیکی کند و زن ادعا کند که نزدیکی به اندازه معتبر انجام شده است و مرد نیز او را تصدیق کند، بر شوهر اولش حلال می‌شود، و اگر مرد تکذیب کند، شوهر اول به آنچه به نظرش از درست بودن گفته زن یا محلل احتمال بیشتری داشته باشد عمل می‌کند؛ اگر احتمال راستگویی هیچ کدام بیشتر نباشد، به گفته زن اعتماد می‌کند.

الثالث: لو وطأها مُحَرَّمًا، كالوطء في الإحرام، أو في الصيام الواجب يحل؛ لتحقق النكاح المستند إلى العقد الصحيح، ويأثم المحلل وكذا هي إن طاوعته وكانت في حال يحرم وطأها.

سوم: اگر مرد (محلل) در زمانی که نزدیکی کردن حرام است -مانند: روزه واجب یا در احرام- با او نزدیکی کند باعث حلال شدن بر شوهر اول می‌شود، زیرا به وسیله عقد صحیح با او نزدیکی کرده است، هر چند که آن مرد و همچنین زن -در صورت همراهی با او و در حالی که نزدیکی بر زن نیز حرام بوده باشد- گناه کرده‌اند.

